

بازنمایی‌های ایدئولوژیک در گفتمان سیاسی برجام مطالعه موردی سخنرانی رؤسای جمهور ایران و آمریکا رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند

علی مالمیر^۱ (دکترای زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)
حیات عامری^{۲*} (دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)
محمد دبیرمقدم^۳ (استاد زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)
فردوس آقاگلزاده^۴ (استاد زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)
سحر بهرامی خورشید^۵ (دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۶/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۱۴، تاریخ انتشار: پاییز ۱۴۰۱

چکیده: در تاریخ ۲۳ تیرماه سال ۱۳۹۴ ایران و شش قدرت جهانی پس از دو سال مذاکره به توافقی در زمینه برنامه هسته‌ای ایران دست یافتند. این توافق که به توافق برجام معروف شد، نقطه پایانی بر چندین سال تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران بود. پژوهش حاضر به تحلیل بازنمایی‌های متفاوت رؤسای جمهوری ایران و آمریکا از توافق هسته‌ای برجام می‌پردازد. این پژوهش تلاشی در جهت کاربست نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی در تبیین بازنمایی‌های ایدئولوژیک است. در بخش تحلیل

1. alimalmirm@yahoo.com

2. h.ameri@modares.ac.ir

* نویسنده مسئول

3. mdabirmoghaddam@gmail.com

4. ferdows@yaho.com

5. sahbahrami@modares.ac.ir

گفتمان توصیفی ابتدا داده‌ها از منظر نظام گذرایی از دو جنبه مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در این بخش ابتدا نوع فرایند به‌کارگرفته‌شده و بسامد هریک از فرایندها در متن داده‌ها مورد محاسبه قرار گرفته است. سپس پس از شناسایی مشارکان اصلی در متن، نوع نقشی که به هریک از آن‌ها سپرده شده مورد تحلیل قرار گرفته است. داده‌ها در این بررسی برگرفته از نخستین موضع‌گیری رؤسای جمهوری ایران و آمریکا پس از حصول توافق برجام است. نتایج نشان می‌دهد اوپاها بیشتر بر کنش‌ها و روحانی بر توصیف تمرکز دارد. هر دو رئیس‌جمهور برخی مشارکان را در حاشیه قرار می‌دهند و برخی را برجسته می‌سازند. طرفین در توصیف‌های خود از قرارداد به‌دنبال بازنمایی مثبت گفتمان خودی و ساختارشکنی معنای موردنظر گفتمان رقیب هستند.

کلیدواژه‌ها: توافق هسته‌ای، تحلیل گفتمان انتقادی، بازنمایی ایدئولوژیک، برجسته‌سازی، حاشیه‌رانی.

۱ مقدمه

در دستور نقش‌گرای نظام‌مند^۱ که یکی از دو نظریهٔ منسجم زبان‌شناسی نقش‌گراست و خاستگاه فلسفی آن تجربه‌گرایی است، عقیده بر این است که ساخت‌ها و صورت‌های زبانی از معنا نشأت می‌گیرند و معنا نیز مولود جهان و یافت^۲ است (دبیرمقدم، ۱۳۹۹: ۱۵). به عبارتی این انگاره از دوگانهٔ زبان و جهان، جهان را در سطح بالاتری قرار می‌دهد. هلیدی^۳ زبان را منبع تولید معنا می‌داند و معتقد است معنامندی در الگوهای نظام‌مند انتخاب‌ها نهفته است. فرکلاف^۴ معتقد است در جوامع مدرن اعمال قدرت به‌شکل روزافزونی از طریق ایدئولوژی، خصوصاً از طریق کاربرد ایدئولوژیک زبان اتفاق می‌افتد (۲۰۱۵: ۲۲۹). پژوهش حاضر با پیش‌فرض قرارداد دیدگاه هلیدی در زمینهٔ معنامندی زبان و دیدگاه فرکلاف در خصوص کاربرد ایدئولوژیک زبان، در تلاش است به بررسی و مطالعهٔ موردی در گفتمان سیاسی پردازد. فالور^۵، هاج^۶ و کرس^۷ در اثر پیشرو خود ذیل عنوان زبان و کنترل به اصلی اساسی اشاره می‌کنند که جان‌مایهٔ فرضیهٔ ما در این بررسی است. ایشان معتقد هستند زبانی که به‌کار می‌بریم تجسم‌بخش دیدگاهی خاص نسبت به واقعیت

1. Systemic Functional Grammar
3. M. A. K. Halliday
5. R. Fowler
7. G. Kress

2. context
4. N. Fairclough
6. B. Hodge

است (۱۹۷۹: ۱). در واقع عرصه اجتماع، عرصه رقابت و نزاع گفتمان‌ها برای تثبیت معناست. یکی از اهداف اصلی این پژوهش بررسی کفایت نظام گذرایی^۱ در تشخیص بازنمایی‌های ایدئولوژیک^۲ در زبان است. پرسش اصلی و مسئله محوری در تحقیق حاضر بررسی این موضوع است که ابزارهای زبانی دستور نقش‌گرای نظام‌مند چگونه در بازنمایی ایدئولوژیک داده‌های پژوهش به خدمت گرفته شده‌اند.

پژوهش حاضر به شکل توصیفی-تحلیلی و از نوع تحقیق موردی است که در آن اطلاعات و داده‌های تحقیق برگرفته از نخستین سخنرانی رؤسای جمهوری ایران و ایالات متحده آمریکا پس از امضای توافق هسته‌ای برجام است. به منظور تحلیل بازنمایی‌های ایدئولوژیک در متن، ابتدا داده‌های پژوهش در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند مورد بررسی قرار گرفته، سپس نتایج حاصل از این تحلیل توصیفی با استفاده از مبانی نظری تحلیل گفتمان انتقادی^۳ و با بهره‌گیری از مفاهیم تحلیل نظام گذرایی و راهبردهای متقاعدسازی^۴ مورد تحلیل قرار گرفته است.

پژوهش‌های متعددی در زمینه تحلیل سخنرانی شخصیت‌های سیاسی صورت گرفته که در اینجا به ذکر چند نمونه از آن‌ها پرداخته می‌شود. آفاگل‌زاده و بهرامی خورشید (۲۰۰۹) در مقاله‌ای به مطالعه سخنرانی دو نامزد دموکرات و جمهوری‌خواه ریاست جمهوری آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری این کشور در سال ۲۰۰۸ پرداخته‌اند. این سخنرانی‌ها که توسط باراک اوباما^۵ و جان مک‌کین^۶ ایراد شده‌اند، موضوع جنگ عراق را در کانون توجه خود قرار داده‌اند. پژوهش مذکور پژوهشی توصیفی-تحلیلی است که چارچوب نظری نورمن فرکلاف در تحلیل گفتمان انتقادی را رویکرد اصلی خود در تحلیل قرار داده است. نگارندگان به منظور تحلیل داده‌ها ۴۰ سطر از متن سخنرانی‌های دو نامزد در مورد جنگ عراق را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند.

مسئله مناقشه اتمی ایران و غرب و نوع انعکاس آن در مطبوعات، موضوع بررسی در مقاله‌ای تحت عنوان «آیا این مرد به بمب اتم دست پیدا می‌کند؟ (نگاهی به بازنمایی مناقشات اتمی ایران در مطبوعات آمریکا)» به قلم شاه‌قاسمی و سلطانی (۱۳۸۹) بوده است. پژوهشگران در این اثر به تحلیل یکی از سرمقاله‌های مجله تایم می‌پردازند و هدف خود از این تحلیل را بررسی نوع بازتاب تحولات

1. transitivity structure
3. critical discourse analysis
5. B. Obama

2. ideological representation
4. persuasive technique
6. J. McCain

مسئله اتمی ایران در مطبوعات در غرب عنوان می‌کنند. کلاتریان (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «توصیف و تحلیل زبان‌شناختی گفتگوهای هسته‌ای ایران بین دو جناح اصلاح‌طلب و اصول‌گرا: دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی» به بررسی شیوه‌ی بازنمایی کارگزاران اجتماعی درخصوص برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی در مطبوعات دو جناح اصلاح‌طلب و اصول‌گرا پرداخته است و می‌کوشد نشان دهد ایدئولوژی صاحبان این رسانه‌ها تا چه میزان در این بازنمایی تأثیرگذار بوده است.

سلامی استاد و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان «کاربرد زبان به‌مثابه ابزار امنیتی: تحلیل سخنرانی ملک سلمان در اجلاس ریاض» به دنبال این هستند که نشان دهند چگونه با استفاده از ابزار زبان می‌توان کشوری را منحل امنیت در منطقه معرفی کرد و در این راستا مخاطبان را نیز با خود همراه کرد. رویکرد نظری که در تحلیل داده‌های این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته، رویکرد فرکلاف در تحلیل گفتمان انتقادی است. پژوهشگران در این اثر، سخنرانی ملک سلمان، پادشاه عربستان، در نشست ریاض در تاریخ می ۲۰۱۷ را در الگوی سه‌لایه‌ای فرکلاف مورد تحلیل قرار داده‌اند.

یوگیونگ^۱ و فن‌ژی^۲ (۲۰۱۸) در مقاله خود با عنوان «تحلیل نظام‌گذاری در سخنرانی دیوید کامرون^۳ به‌منظور ابقای اسکاتلند» به بررسی توزیع فرایندها و مشارکان فرایند در متن پرداخته‌اند. در تاریخ سپتامبر ۲۰۱۴ میلادی مردم اسکاتلند به‌منظور شرکت در فرایند بقاء یا خروج از پادشاهی بریتانیا شرکت کردند. سخنرانی دیوید کامرون به‌منظور تشویق مردم این کشور به ماندن در قلمرو پادشاهی بریتانیا ایراد شده است. پژوهشگران در این اثر به بررسی و تحلیل این موضوع پرداخته‌اند که کدام فرایندها در متن بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند و نقش مشارکان در ساخت‌گذاری چیست.

آنگراینی^۴ و فیدیانتی^۵ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای که از سه سخنرانی دونالد ترامپ^۶، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا انجام داده‌اند، هدف خود را بررسی ساخت ایدئولوژیک سخنرانی‌های دونالد ترامپ معرفی کرده‌اند. پژوهشگران در این مطالعه، به تحلیل کاربرد فرایندهای شش‌گانه فرانتش تجربی در متن سخنرانی‌های دونالد ترامپ پرداخته‌اند.

1. Z. Yuqiong
3. D. Cameron
5. M. Fidiyanti

2. L. Fengjie
4. N. Anggraini
6. D. Trump

عادل ناصر (۲۰۲۱) در پژوهش خود به تحلیل و بررسی سخنرانی دونالد ترامپ (رئیس جمهوری سابق ایالات متحده) و باراک اوباما (رئیس جمهوری سابق ایالات متحده) در رابطه با مرگ جورج فلوید^۱ پرداخته است.

ژی‌یانگ^۲ (۲۰۲۲) در پژوهش خود به تحلیل سخنرانی جو بایدن^۳، رئیس جمهوری منتخب ایالات متحده در مراسمی که به منظور آغاز دوره ریاست جمهوری وی ترتیب داده شده، پرداخته است. پژوهشگر بر این اعتقاد است که چارچوب نظری دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، بستر مناسبی برای تحلیل گفتمان سیاسی فراهم می‌کند.

سلطانی (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود تحت عنوان قدرت، گفتمان و زبان (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران)، به بررسی سازوکارهای جریان قدرت در نظام جمهوری اسلامی ایران و چگونگی شکل‌گیری جریان اصلاحات در سپهر سیاسی کشور پرداخته است. وی در این پژوهش با بهره‌گیری از مفاهیم و اصطلاحات دستور نقش‌گرای نظام‌مند و چارچوب نظری جف تامپسون^۴ در تحلیل نظام‌گذاری به تحلیل بازنمایی‌های ایدئولوژیک در مطبوعات اصلاح‌طلب و اصول‌گرا پرداخته است.

پاتر^۵ (۲۰۱۶) در پژوهش خود به بررسی بازنمایی‌های متفاوت نقش سوریه در ترور رفیق حریری نخست‌وزیر فقید لبنان در رسانه‌های عرب‌زبان و انگلیسی‌زبان پرداخته است. وی هدف خود را از این پژوهش بررسی کفایت و کارایی نظام آغازگری و نظام اطلاع^۶ در آشکارساختن بازنمایی‌های ایدئولوژیک در خبر معرفی می‌کند. پژوهشگر پس از تحلیل داده‌های پژوهش خود، در بخش نتایج اثر اعلام می‌کند که نظام‌های آغازگری و اطلاع کمک شایانی به آشکارسازی بازنمایی‌های ایدئولوژیک در خبر و شیوه‌های مدیریت اطلاع در رسانه‌ها می‌کنند.

چنانچه بخواهیم به وجه تمایز و وجه تشابه پژوهش حاضر با پژوهش‌های ارائه‌شده در این بخش اشاره کنیم، باید به این نکته اشاره کنیم که پژوهش حاضر گرچه به بحث تحلیل گفتمان انتقادی در گفتمان سیاسی پرداخته است، اما تمایز آن با کارهای پیشین از این جهت است که با رویکردی متفاوت در تلاش است که پیوندی بین تحلیل گفتمان توصیفی (رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی)

1. G. Floyd
3. J. Biden
5. L. Potter

2. Q. Xiang
4. G. Thompson
6. information structure

و تحلیل گفتمان انتقادی برقرار سازد.

۲ مبانی نظری

تحلیل‌های ارائه‌شده در این پژوهش از دو منظر صورت گرفته است. داده‌ها نخست از منظر تحلیل گفتمان توصیفی و با بهره‌گیری از مفاهیم دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سپس نتایج حاصل از تحلیل توصیفی از منظر انتقادی نیز مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. به همین منظور در اینجا در دو بخش به معرفی مبانی نظری پژوهش پرداخته شده است.

۲-۱ تحلیل گفتمان توصیفی

دستور نقش‌گرای نظام‌مند دستوری طبیعی است (هلیدی، ۱۹۹۴: xiii) زیرا هر چیزی در آن با ارجاع به نقش ارتباطی و کاربردی زبان تبیین می‌شود و این دستور صورت‌زبانی را تابعی از نقش ارتباطی زبان می‌داند و معتقد است که زبان در جهت ایفای نقش ارتباطی در طول زمان تکامل یافته است. بنیان این چارچوب نظری بر مفهوم نظام بنا نهاده شده است. در این چارچوب نظری نظام‌های تودرتو مفروض است: نظام وجه^۱، نظام گذرایی، نظام آغازگری^۲، نظام نفی و اثبات^۳ و به همین اعتبار این رویکرد نظام‌بنیاد نامیده شده است. واحد اصلی در بررسی معنا در این دستور، بند^۴ است و هلیدی برای تحلیل معنا در این سطح، سه لایه معنایی یا سه فرانش معرفتی کرده است. این سه فرانش عبارت‌اند از: فرانش تجربی، فرانش متنی و فرانش بینافردی. معنای کامل هر بند از تحلیل همزمان این سه فرانش حاصل می‌شود. هلیدی به سه نقش بنیادین زبان اشاره می‌کند: (۱) مفهوم‌سازی یا تجسم‌بخشیدن به تجربیات؛ (۲) برقراری و ایجاد ارتباطات و تعاملات اجتماعی؛ (۳) شکل‌بخشیدن به متن. کارکرد تجسم‌بخشیدن به تجربیات درونی و بیرونی ذیل عنوان فرانش تجربی معرفی می‌شود، این فرانش زبان را در خدمت انعکاس تجربه می‌داند. کارکرد دیگر زبان که در ایجاد تعاملات اجتماعی مؤثر است، فرانش بینافردی نامیده شده که در این فرانش زبان در خدمت کنش معرفتی شده است. اما سومین کارکرد اساسی زبان که در شکل‌بخشیدن به متن مؤثر است و به عبارتی نقش تسهیل‌کننده برای دو فرانش دیگر دارد، فرانش متنی است. در

1. mood system
3. polarity system

2. thematic structure
4. clause

ساختار تجربی بند با سه نقش مشارک^۱، فرایند و عناصر حاشیه‌ای^۲ روبرو هستیم. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، فرانش تجربی به بازنمایی و انعکاس تجربیات (چه درونی، چه بیرونی) در قالب نظم زبانی کمک می‌کند. نظام دستوری که از طریق آن، این مهم صورت می‌گیرد، نظام گذرایی است. نظام گذرایی این امکان را فراهم می‌کند که ما قادر باشیم عناصر دخیل در آن تجربه را حول مرکز ثقل فرایند بازنمایی کنیم. عنصر محوری در این عمل، فعل جمله است که در چارچوب این فرانش به آن فرایند گفته می‌شود. طبق ادعای دستور نقش‌گرای نظام‌مند، تمامی فعل‌های زبان‌های جهان در قالب شش فرایند طبقه‌بندی می‌شوند. این فرایندهای شش‌گانه عبارت‌اند از: مادی^۳، ذهنی^۴، رابطه‌ای^۵، بیانی^۶، رفتاری^۷ و وجودی^۸. در فرانش تجربی علاوه بر نقش فرایند که در قالب گروه فعلی بازنمایی می‌شود به دو نقش دیگر نیز اشاره شده است: نقش مشارکان فرایند و نقش افزوده‌های حاشیه‌ای. عنصر اصلی در انعکاس تجربه، فرایند است، مشارکان به این مرکز ثقل نزدیک هستند و مستقیماً در وقوع آن تأثیرگذارند، اما عناصر حاشیه‌ای مستقیماً در فرایند دخیل نیستند و نقشی حاشیه‌ای دارند.

۲-۲ تحلیل گفتمان انتقادی

همه ساخت‌های زبانی به‌طور بالقوه می‌توانند مشکل از ساخت‌های ایدئولوژیک باشند، منظور از ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک آن دسته از ساخت‌های زبانی است که علاوه بر معنای کنش بیانی در گفتمان خاص، معنای کنش منظورشناختی و کنش تأثیری خود را به‌دست می‌آورند و همیشه همه ساخت‌های ایدئولوژیک دارای معنی بیش از صورت زبانی هستند (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱: ۱). اما از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، چه ساخت‌های زبانی دارای بار ایدئولوژیک هستند؟ آقاگل‌زاده به‌منظور پاسخگویی به این پرسش به موارد ذیل اشاره می‌کند:

الف) انتخاب موضوع گفتمان از میان موضوعات بالقوه در درون بافت موقعیتی دارای بار ایدئولوژیک است

1. participant
3. material
5. relational
7. behavioral

2. circumstantial adjunct
4. mental
6. verbal
8. existential

(ب) از لحاظ نحوی، همه ساخت‌های نشان‌دار نحوی دارای بار ایدئولوژیک هستند. البته ساخت‌های بی‌نشان نیز گرچه در سطح توصیف دارای بار ایدئولوژیک نیستند، اما همین ساخت‌ها نیز در مرحله تفسیر می‌توانند کارکرد ایدئولوژیک داشته باشند

(ج) از جنبه معناساختی نیز ساخت‌های زبانی می‌توانند دانش پیش‌زمینه‌ای خاصی را فعال سازند و به کمک طرحواره‌ها و قالب‌های ذهنی، معنای خاصی را تداعی یا ایجاد کنند

(د) علاوه بر موارد فوق، ساخت‌های زبانی با بهره‌گیری از فنون نگارشی از قبیل اندازه قلم، نوع قلم و خط متفاوت با متن اصلی، زیر خط کشیدن و برجسته نوشتن برخی بخش‌ها نیز می‌توانند کارکرد ایدئولوژیک داشته باشند (آفاگل‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۵-۱۶).

تامپسون با مطرح‌ساختن پرسش‌هایی در خصوص عناصر نظام گذرایی (فرایندها، مشارکان و عناصر حاشیه‌ای)، معتقد است پاسخ به این پرسش‌ها در آشکارسازی الگوهای انتخاب در نظام گذرایی مفید است (۲۰۱۴: ۱۳۲). از جمله این پرسش‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- ۱) گرایش غالب در به‌کارگیری فرایندها به نفع کدام فرایندها است؟ چرا؟
- ۲) مشارکان اصلی کدام هستند؟ به این مشارکان در ساختار گذرایی چه نقش‌هایی محول شده است؟

تامپسون معتقد است این چارچوب خصوصاً در شناسایی الگوهای انتخاب در متونی که وجوه اشتراکی از نظر موضوع، مخاطب یا زمینه سیاسی دارند، موفق‌تر است. وی معتقد است از آنجا که دستور نقش‌گرای نظام‌مند، زبان را از منظر انتخاب‌های صورت‌گرفته در بافت مورد مطالعه قرار می‌دهد، مقایسه متون به شما کمک می‌کند دریابید که چرا این انتخاب‌ها صورت گرفته‌اند و نه انتخاب‌های دیگر (۲۰۱۴: ۱۳۴).

راهبردهای متقاعدسازی

پاتر معتقد است ایدئولوژی‌ها با بهره‌بردن از راهبردهای متقاعدسازی به دنبال شکل‌بخشیدن به عقاید مخاطب و ایجاد همدلی در او به‌کارگرفته می‌شوند. از جمله این راهبردها می‌توان به این موارد

اشاره کرد: تأکید^۱، تکرار مستقیم جمله، توصیف^۲ و تداعی^۳ مثبت یا منفی. تداعی به اطلاعاتی اشاره دارد که گرچه ممکن است به صورت صریح در متن نیامده باشد، اما به طور ضمنی به مخاطب القا می‌شود (۲۰۱۶: ۳).

۳ روش‌شناسی پژوهش

بخشی از داده‌ها در این پژوهش به زبان فارسی و بخشی به زبان انگلیسی هستند. نخست با استفاده از مبانی نظری دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی به تحلیل توصیفی این داده‌ها پرداخته می‌شود. در ادامه، نتایج حاصل از تحلیل توصیفی داده‌ها از منظر انتقادی مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. در بخش تحلیل گفتمان توصیفی ابتدا داده‌ها از منظر نظام‌گذاری از دو جنبه مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در این بخش ابتدا نوع فرایند به‌کارگرفته‌شده و بسامد هر یک از فرایندها در متن داده‌ها مورد محاسبه قرار گرفته است. سپس پس از شناسایی مشارکان اصلی در متن، نوع نقشی که به هر یک از آن‌ها سپرده شده مورد تحلیل قرار گرفته است.

۴ تحلیل داده‌ها

سخنرانی اواما که داده‌های بخش انگلیسی را تشکیل می‌دهد، در مجموع شامل ۲۰۰ بند است. داده‌های بخش فارسی هم که شامل ۳۰۸ بند است، متن کامل سخنرانی روحانی است. البته ذکر این نکته در اینجا لازم است که در متن انگلیسی تعداد ۷۰ بند بی‌زمان و در متن فارسی تعداد ۶ بند بی‌زمان شناسایی شدند، در این پژوهش به تحلیل بندهای زمان‌دار پرداخته شده است و بندهای بی‌زمان در آمار و تحلیل‌ها محاسبه نشده‌اند. در این بخش نمونه‌هایی از تحلیل داده‌ها ارائه می‌شود.

1) Today, after two years of negotiations, the United States, together with our international partners, **has achieved** something that decades of animosity has not — a comprehensive, long-term deal with Iran That **will prevent** it from obtaining a nuclear weapon.

در مثال فوق که بند آغازین سخنرانی باراک اواما است، فرایند مورد استفاده به صورت برجسته مشخص شده است. فرایند مورد استفاده در این نمونه از نوع مادی است و کنشگر این بند عبارت اسمی «ایالات متحده و شرکای بین‌المللی» و هدف در این بند، عبارت اسمی «توافق جامع و

1. emphasis
3. association

2. modification

بلندمدت» است. در ادامه به نمونه‌ای از تحلیل داده‌ها در بخش فارسی نیز اشاره می‌شود:

(۲) من خوشحال‌م.

(۳) که امروز با مذاکرات بیست و سه ماهه جمهوری اسلامی ایران با شش قدرت جهانی امروز توانسته ایم به نقطه جدیدی دست پیدا کنیم.

در دو مثال فوق نیز که برگرفته از سخنرانی حسن روحانی است، فرایند مورد کاربرد به شکل برجسته مشخص شده است. مثال شماره ۲ از فرایند رابطه‌ای بهره برده است. در این فرایند رابطه‌ای که از نوع توصیفی است، ضمیر شخصی «من» حامل و واژه «خوشحال» ویژگی منتسب به این حامل است. نمونه شماره ۳ نیز از فرایند مادی بهره برده است. کنشگر این بند عبارت اسمی «ایران با شش قدرت جهانی» است و هدف در این بند عبارت اسمی «نقطه جدیدی» است. جدول شماره ۱ نتایج حاصل از تحلیل نظام گذرایی و بسامد کاربرد هر یک از فرایندها را نشان می‌دهد.

جدول ۱ - جدول بسامد رخداد فرایندهای مختلف در متن داده‌ها

| متن فارسی | | متن انگلیسی | | نوع فرایند |
|-----------|-------|-------------|-------|------------|
| تعداد | درصد | تعداد | درصد | |
| ۱۱۶ | ۳۷/۶٪ | ۹۱ | ۴۵/۵٪ | مادی |
| ۱۲۴ | ۴۰/۳٪ | ۶۵ | ۳۲/۵٪ | رابطه‌ای |
| ۲۳ | ۷/۵٪ | ۲۹ | ۱۴/۵٪ | ذهنی |
| ۴۴ | ۱۴/۳٪ | ۱۱ | ۵/۵٪ | بیانی |
| ۱ | ۰/۳٪ | ۰ | ۰٪ | رفتاری |
| ۰ | ۰٪ | ۴ | ۲٪ | وجودی |

بررسی اطلاعات موجود در جدول فوق مبین این است که در متن انگلیسی (سخنرانی اوپاما) بیشترین بسامد به فرایند مادی (۴۵/۵٪) و پس از آن به فرایند رابطه‌ای (۳۲/۵٪) تعلق دارد، پس از این دو فرایند که بالاترین بسامد را دارا هستند، فرایندهای ذهنی (۱۴/۵٪)، بیانی (۵/۵٪) و وجودی (۲٪) قرار می‌گیرند. همچنین در داده‌های بخش فارسی (سخنرانی روحانی)، این فرایند رابطه‌ای است که بیشترین بسامد (۴۰/۳٪) را به خود اختصاص داده و پس از آن، فرایند مادی (۳۷/۶٪)، بیانی (۱۴/۳٪)، ذهنی (۷/۵٪) و رفتاری (۰/۳٪) قرار دارند.

۴-۱ تفاوت در کاربرد فرایند مادی و رابطه‌ای

اینکه در سخنرانی او با ما بالاترین بسامد به فرایند مادی تعلق دارد، بیانگر این واقعیت است که وی بیشتر بر کنش‌ها تمرکز دارد، این در حالی است که در سخنرانی روحانی بالاترین بسامد به فرایند رابطه‌ای تعلق دارد و گوینده بیشتر بر فرایند توصیف/شناسایی تمرکز دارد. نکته بعدی که در بررسی و تحلیل داده‌های جدول ۱ شایان توجه است، این است که دو متن انگلیسی و فارسی در کاربرد فرایندهای ذهنی و بیانی نیز رویکردهای متفاوتی در پیش گرفته‌اند. در متن انگلیسی شاهد هستیم که فرایند ذهنی با بسامد ۵/۱۴٪ بالاتر از فرایند بیانی با بسامد ۵/۵٪ قرار گرفته، این در حالی است که در متن فارسی عکس این موضوع را شاهد هستیم و فرایند بیانی با بسامد ۳/۱۴٪ بالاتر از فرایند ذهنی با بسامد ۵/۷٪ قرار گرفته است، به‌طور خلاصه می‌توان گفت در متن انگلیسی از بین فرایندهای مادی و رابطه‌ای، تمرکز اصلی بر فرایند مادی و در متن فارسی، برعکس، تمرکز اصلی بر فرایند رابطه‌ای است. این رویکرد متفاوت در کاربرد فرایندهای ذهنی و بیانی هم در پیش گرفته شده و در متن انگلیسی فرایند ذهنی و در متن فارسی این فرایند بیانی است که برتری دارد.

۴-۲ تفاوت دو متن در کاربرد فرایند بیانی

در سخنرانی او با ما شاهد ۱۱ بار استفاده از فرایند بیانی هستیم. حدود یک سوم این فرایندها به انتقال ناخودآگاه و غیرمستقیم پیام به مشاهده‌گر (فعل show) اشاره دارند. این در حالی است که قریب به اتفاق فرایندهای بیانی به‌کار گرفته شده در متن سخنرانی روحانی، بر انتقال آگاهانه و عامل‌دانه پیام به مخاطب تمرکز دارند. از میان ۴۴ فرایند بیانی به‌کاررفته در این متن نیمی از آن‌ها (۲۲ مورد) نقل قول‌هایی هستند که گوینده این قول‌ها، ضمیر «آن‌ها» (ایالات متحده و دیگر طرف‌های مذاکره) است.

حال ببینیم مشارکان اصلی، هرکدام در ساختار گذرایی در چه نقش‌هایی و به چه نسبتی به‌کار رفته‌اند. در هر دو متن انگلیسی و فارسی (سخنرانی او با ما و روحانی) هفت مشارک مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در متن انگلیسی این مشارکان عبارت‌اند از: «ما» (ایالات متحده و دیگر متحدان این کشور)، «آن‌ها» (ایران)، «من» (رئیس‌جمهور ایالات متحده)، «توافق هسته‌ای»، «سلاح هسته‌ای»، «تحریم» و «بازرسی». این مشارکان در متن فارسی نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بدیهی است در متن فارسی، «ما» به ایران و «آن‌ها» به ایالات متحده و «من» به رئیس‌جمهور ایران اشاره دارد. جدول ۲ و جدول ۳ به بسامد کاربرد هر یک از این مشارکان در نقش‌های موردنظر در ساختار

گذرایی اشاره دارد. نکته‌ای که در اینجا باید به آن اشاره کرد، این است که ترتیب قرارگرفتن نقش‌های موردنظر در جدول شماره ۲ (متن انگلیسی) و جدول شماره ۳ (متن فارسی) به تاسی از تامپسون بر اساس میزان پویایی آن نقش در ساختار گذرایی، است. بدین صورت که نقش‌هایی که پویاتر بوده و میزان تأثیرگذاری آن‌ها در امور جهان بیشتر است، بالاتر قرار گرفته‌اند و هرچه پایین‌تر می‌رویم از پویایی و به تبع آن از تأثیرگذاری این نقش‌ها کم می‌شود. نمونه‌های شماره ۴ و ۵ و ۶ و ۷ نمونه‌هایی از تحلیل داده‌ها در این بخش است:

4. **We have stopped** the spread of nuclear weapons in this region.

5. **Iran will not use** its advanced centrifuges to produce enriched uranium.

۶. ما امروز بر مبنای دقت کامل و نظارت بر توافق کار خودمان را پیش می‌بریم.

۷. اگر آن‌ها به این توافق پایبند باشند، ما البته به توافق پایبند هستیم.

در مثال شماره ۴ مشارک «ما» (ایالات متحده) در نقش کنشگر ظاهر شده است و در مثال شماره ۵ مشارک «ایران» در نقش کنشگر ظاهر شده است (این دو نمونه از متن سخنرانی اوپاما انتخاب شده است).

در مثال شماره ۶ مشارک «ما» (ایران) در نقش کنشگر ظاهر شده و در مثال شماره ۷ «آن‌ها» (ایالات متحده) در نقش کنشگر ظاهر شده است (نمونه‌های ۶ و ۷ از متن سخنرانی روحانی انتخاب شده است).

جدول ۲- بسامد کاربرد مشارکان اصلی در نقش‌های مختلف در ساختار گذرایی (متن انگلیسی)

| نقش‌های گذرایی | ما (آمریکا و سایر طرف‌های غربی) | من | توافق هسته‌ای | سلاح هسته‌ای | آنها (ایران) | بازرسی | تحریم |
|----------------|---------------------------------|----|---------------|--------------|--------------|--------|-------|
| کنشگر+ هدف | ۱۹ | ۳ | ۲ | | ۲۲ | ۱ | ۱ |
| کنشگر- هدف | ۱ | | ۱ | ۱ | | ۱ | ۱ |
| گوینده | ۳ | ۲ | | | | | |
| رفتارگر | | | | | | | |
| حسگر | ۳ | ۱۳ | ۱ | | ۱ | ۱ | |
| حامل | ۸ | ۲ | ۶ | | ۴ | ۷ | ۱ |
| ارزش | | ۱ | ۱ | | | | |
| بهره‌ور | | | | | | | |
| مخاطب | | | | | ۱ | | |
| هدف | ۶ | | ۸ | ۶ | ۴ | ۱ | ۴ |
| پدیده | | | ۲ | | | | |
| کل | ۴۰ | ۲۱ | ۲۱ | ۷ | ۳۲ | ۱۱ | ۷ |

جدول ۳- بسامد کاربرد مشارکان اصلی در نقش‌های مختلف در ساختار گذرایی (متن فارسی)

| نقش‌ها در ساخت گذرایی | من | ما (ایران) | آنها (آمریکا و سایر طرف‌های غربی) | تحریم | توافق هسته‌ای (مذاکره هسته‌ای) | سلاح هسته‌ای | بازرسی |
|-----------------------|----|------------|-----------------------------------|-------|--------------------------------|--------------|--------|
| کنشگر+هدف | | ۲۸ | ۹ | | ۱ | | |
| کنشگر-هدف | ۱ | ۱۳ | ۴ | | | | |
| گوینده | ۷ | ۴ | ۲۲ | | | | |
| رفتارگر | | | | | | | |
| حسگر | ۳ | ۸ | ۵ | | | | |

| | | | | | | | |
|--|---|----|----|----|----|----|---------|
| | ۱ | ۱۱ | ۴ | ۳ | ۷ | ۱ | حامل |
| | | ۳ | | | | | ارزش |
| | | | | ۱ | ۴ | | بهره‌ور |
| | | | | | ۱ | | مخاطب |
| | ۵ | ۱۶ | ۱۴ | ۱ | ۱ | | هدف |
| | | ۱ | | | | | پدیده |
| | ۶ | ۳۲ | ۱۸ | ۴۵ | ۶۶ | ۱۲ | کل |

در متن انگلیسی مشارک «ما (ایالات متحده)» در مجموع ۲۰ بار و مشارک «آن‌ها (ایران)» در مجموع ۲۲ بار در نقش کنشگر^۱ ظاهر شده‌اند، این در حالی است که در متن فارسی مشارک «آن‌ها (ایالات متحده)» در مجموع ۱۳ بار و مشارک «ما (ایران)» در مجموع ۴۱ بار در نقش کنشگر ظاهر شده‌اند. در حالی که در متن انگلیسی دو مشارک مذکور، تقریباً به نسبت برابری در نقش کنشگر ظاهر شده‌اند، در متن فارسی، مشارک «ما (ایران)» تقریباً سه برابر مشارک «آن‌ها (ایالات متحده)» در نقش کنشگر ظاهر شده است. نکتهٔ حائز اهمیت در اینجا این است که گوینده متن فارسی (رئیس‌جمهور ایران) به دنبال آن است که تأثیرگذاری و نقش تعیین‌کنندهٔ ایران را در جریان مذاکرات منجر به توافق هسته‌ای به مخاطب خود منتقل سازد.

تفاوت دیگری که در رویکرد دو رئیس‌جمهور در توصیف مفاد توافق هسته‌ای خطاب به شنوندگان این دو متن وجود دارد، رویکرد متفاوت آن‌ها در به‌کارگیری فرایند بیانی است. در متن سخنرانی اوباما مشارک «ما (ایالات متحده)» در مجموع ۳ بار در نقش گوینده^۲ ظاهر شده و مشارک «آن‌ها (ایران)» هرگز در این نقش ظاهر نشده است. اما در متن سخنرانی روحانی مشارک «آن‌ها (ایالات متحده)» در مجموع ۲۲ بار در نقش گوینده ظاهر شده و مشارک «ما (ایران)» در مجموع ۴ بار در نقش گوینده ظاهر شده است. می‌توان گفت روحانی با بهره‌گیری از ویژگی فرافکنی بندهای بیانی، به دنبال آن است که فاصلهٔ خواسته‌های طرف دیگر مذاکره با آنچه بر سر آن توافق شده را بزرگنمایی کند. در واقع، وی با معرفی اهداف طرف مقابل در قالب بند ایده^۳ و معرفی آنچه که در قالب

1. actor
3. idea clause

2. sayer

توافق برسر آن توافق صورت گرفته، به‌دنبال کوچک‌نمایی دستاورد طرف دیگر و بزرگنمایی دستاورد خود است.

رویکرد متفاوت در استفاده از دو مشارک «تحریم» و «بازرسی» در سخنرانی دو رئیس‌جمهور نیز قابل توجه است. در متن سخنرانی اواما مشارک «بازرسی» در مجموع ۱۱ بار در نقش‌های موردنظر به‌کار رفته است. تحلیل سخنرانی روحانی مبین این نکته است که مشارک «بازرسی» هیچ‌گاه در نقش‌های ده‌گانه به‌کار نرفته است. نظام بازرسی‌ها به‌عنوان امتیازی که طرف مقابل ایران در جریان مذاکرات از ایران دریافت کرده است، بدیهی است که در سخنرانی اواما نقش و جایگاه مهمی داشته باشد و شاهد برجسته‌سازی این موضوع از سوی اواما هستیم. عدم اشاره روحانی به این موضوع و به‌حاشیه‌راندن آن در جریان سخنرانی و عدم کاربرد آن در ساختار گذرایی نمونه‌بارزی از حاشیه‌رانی در متن سخنرانی اوست.

در به‌کارگیری مشارک «تحریم» نیز شاهد این موضوع هستیم. این مشارک در سخنرانی اواما در مجموع ۷ بار و در سخنرانی روحانی در مجموع نقش‌ها ۱۸ بار مورد استفاده قرار گرفته است. برجسته‌سازی موضوع تحریم و لغو آن در نتیجه مذاکرات در سخنرانی روحانی، موضوعی است که نتایج حاصل از تحلیل نظام گذرایی و بررسی الگوهای نظام مند انتخاب در نظام گذرایی آن را تأیید می‌کند.

۴-۳ تداعی و تکرار

همان‌گونه که در بخش مقدمه اشاره شد، انگیزه طرف ایرانی از حضور در مذاکرات هسته‌ای رفع تحریم از کشور و انگیزه طرف غربی پیشگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و اعمال نظارت سختگیرانه بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران، از سوی طرفین عنوان شده است. به همین منظور، به بررسی این موضوع پرداخته شد که در سخنرانی اواما و در سخنرانی روحانی، مواردی که به‌عنوان انگیزه از سوی طرفین برای شرکت در مذاکرات معرفی شده‌اند، چه بازتابی در متن داشته‌اند. در متن سخنرانی اواما، عبارت «سلاح هسته‌ای» در مجموع ۱۹ بار در پیوند با نام «ایران» تکرار شده است. این در حالی است که پیوند این دو در متن سخنرانی روحانی در مجموع ۴ بار تکرار شده است.

8. **Iran** currently has a stockpile That could produce up to 10 **nuclear weapons**.

9. **Iran** is permanently prohibited from pursuing a **nuclear weapon** under the Nuclear Non-Proliferation Treaty.

دو مثال فوق برگرفته از سخنرانی اواما است که در آن به‌وضوح به پیوند میان ایران و سلاح هسته‌ای اشاره شده است.

مقایسه نسبت فراوانی پیوند این دو عبارت و تکرار آن در متن سخنرانی‌ها، فرضیه اولیه ما در زمینه استفاده از این شیوه برای قانع‌ساختن مخاطب را تأیید می‌کند. مورد بعدی پیوند میان دو عبارت «ایران» و «بازرسی‌ها» در متن سخنرانی‌هاست. در متن سخنرانی روحانی این دو عبارت هیچ‌گاه در پیوند با یکدیگر مورد استفاده قرار نگرفته‌اند، درحالی‌که در سخنرانی اواما در مجموع ۴ بار دو عبارت مذکور در پیوند با یکدیگر تکرار شده‌اند. مثال شماره ۱۰ نمونه‌ای از این موارد است.

10. The IAEA has also reached an agreement with **Iran** to get access That it needs to complete its **investigation** into the possible military dimensions of Iran's past nuclear research.

مقایسه پیوند میان دو عبارت «ایران» و «تحریم» نیز جالب است. پیوند این دو در سخنرانی اواما بیش از سخنرانی روحانی تکرار شده است. در متن سخنرانی اواما دو عبارت مذکور در مجموع ۹ بار و در سخنرانی روحانی در مجموع ۴ بار در پیوند با یکدیگر تکرار شده‌اند.

11. As **Iran** takes steps to implement this deal, it will receive relief from the **sanctions**.

۱۲. امروز تنها برای مردم شیراز و اصفهان و تبریز و خراسان و اهواز و تهران و کرمان و دیگر شهرهای **ایران** به خاطر اینکه مشاهده می‌کنند زنجیرهای **تحریم** در حال گسسته شدن هستند، تنها این‌ها خوشحال نیستند...

اواما با تکرار این پیوند به دنبال این است که نشان دهد راهبرد تحریم در کشاندن ایران به میز مذاکره موفق بوده ولی روحانی با استفاده کمتر از این تکنیک سعی دارد، این راهبرد را ناموفق جلوه دهد.

۵ نتیجه‌گیری

داده‌هایی که در این پژوهش مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند، متن سخنرانی رؤسای جمهور ایران و ایالات متحده آمریکا پس از امضای توافق چندجانبه هسته‌ای موسوم به توافق برجام است. در بخش نخست، این داده‌ها در چارچوب نظری دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی مورد تحلیل قرار

گرفتند. نتایج این تحلیل توصیفی نشان می‌دهد که بسامد کاربرد فرایندها در سخنرانی اوپاما به این ترتیب است: مادی، رابطه‌ای، ذهنی، بیانی، وجودی، رفتاری. این نسبت در سخنرانی روحانی به صورت رابطه‌ای، مادی، بیانی، ذهنی، رفتاری است. سپس نتایج حاصل از این تحلیل توصیفی به منظور رمزگشایی از بازنمایی‌های ایدئولوژیک در متن از چند جنبه مورد بررسی قرار گرفت. نخستین منظر که بدین منظور مورد استفاده قرار گرفت، چارچوبی است که جف تامپسون برای تحلیل نظام گذرایی معرفی کرده است. نتایج حاصل از این بررسی بدین قرار است:

- ۱- روحانی در سخنرانی خود بر استفاده از فرایند توصیف/شناسایی (فرایند رابطه‌ای) تمرکز دارد، درحالی‌که تمرکز اوپاما بر استفاده از فرایندهای کنشی (فرایند مادی) است.
 - ۲- درحالی‌که بیش از یک سوم فرایندهای بیانی در سخنرانی اوپاما بر انتقال ناخودآگاه پیام به مخاطب اشاره دارند (کاربرد فعل show)، در سخنرانی روحانی قریب به اتفاق فرایندهای بیانی به انتقال آگاهانه پیام به مخاطب اشاره دارند. این در حالی است که بسامد کاربرد فرایند بیانی در سخنرانی روحانی بیشتر از سخنرانی اوپاما است.
 - ۳- روحانی با تأکید و تمرکز بیشتر بر استفاده از فرایند بیانی و استفاده فراوان از نقل قول، با بهره‌گیری از ویژگی فرافکنی بندهای بیانی، به دنبال آن است که فاصله خواسته‌های طرف دیگر مذاکره با آنچه بر سر آن توافق شده را بزرگنمایی کند.
 - ۴- شیوه کاربرد مشارکان در نقش‌های گذرایی از اهمیت برخوردار است. برخی مشارکان، از جمله مشارک «بازرسی» در سخنرانی روحانی با عدم کاربرد در نقش‌های مورد بررسی به حاشیه رانده شده‌اند، درحالی‌که این مشارک در سخنرانی اوپاما برجسته شده است. رویکرد رؤسای جمهور در کاربرد مشارک «تحریم» نیز مؤید این واقعیت است که روحانی با کاربرد بیشترین مشارک سعی در برجسته‌سازی آن دارد.
- منظر دیگری که برای تحلیل بازنمایی‌های ایدئولوژیک در متن مورد استفاده قرار گرفت، مبحث راهبردهای متقاعدسازی است. تداعی و تکرار دو نمونه از راهبردهای متقاعدسازی هستند که در این پژوهش به منظور تحلیل بازنمایی‌های ایدئولوژیک در متن، داده‌ها در پرتو آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفت. به همین منظور، به بررسی این موضوع پرداخته شد که گفتمان‌های رقیب در تولید متن به منظور همراه ساختن مخاطب و ایجاد همدلی در او از این شیوه‌ها بهره برده‌اند یا خیر. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که اوپاما در سخنرانی خود از این راهبرد در چند مورد بهره برده است.

از جمله این موارد پیوند میان نام «ایران» و «سلاح هسته‌ای» است که در مجموع ۱۹ بار در سخنرانی وی این دو عبارت در پیوند با هم تکرار شده‌اند. مورد دیگر پیوند میان «ایران» و «بازرسی» است که در سخنرانی او با ما ۴ مرتبه این دو عبارت در پیوند با هم تکرار شده‌اند و این در حالی است که در سخنرانی روحانی این دو عبارت هرگز در پیوند با هم نیامده‌اند. سومین مورد از این بررسی، پیوند میان نام «ایران» و «تحریم» است که در سخنرانی او با ما فراوانی آن بیش از سخنرانی روحانی است (بیش از دو برابر). می‌توان انگیزه او با ما را از این پیوند، این‌گونه ارزیابی کرد که وی در تلاش است که راهبرد تحریم را راهبردی موفق در کشاندن ایران به پای میز مذاکره معرفی کند، چیزی که روحانی خواستار برجسته‌سازی آن نیست.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۱). «توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی». جستارهای زبانی. س ۳، ش ۲، ۱-۲۶.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۹). زبان‌شناسی: منظری ایرانی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- سلامی استاد، محمد و همکاران (۱۳۹۹). «کاربرد زبان به مثابه ابزار امنیتی: تحلیل سخنرانی ملک سلمان در اجلاس ریاض». پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل. س ۸، ش ۲، ۱۷۰-۱۳۹.
- سلطانی، سید علی‌اصغر (۱۳۹۶). قدرت، گفتمان و زبان (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران). تهران: نشر نی.
- شاه قاسمی، احسان و سید علی‌اصغر سلطانی (۱۳۸۹). «آیا این مرد به بمب اتم دست پیدا می‌کند؟ (نگاهی به بازنمایی مناقشات اتمی ایران در مطبوعات آمریکا)». مجله جهانی رسانه (نسخه فارسی). س ۵، ش ۲، ۵۱-۳۹.
- کلاتریان، ندا (۱۳۹۱). توصیف و تحلیل زبان‌شناختی گفتگوهای هسته‌ای ایران بین دو جناح اصلاح‌طلب و اصول‌گرا: دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- Adel Nasser, M. (2021). "A Study on Obama's Optimistic Speech as Opposed to Trump's Disappointing Speech from a Systemic Functional Grammar Perspective". *Journal of Scientific Research in Arts*. Vol22, Issue5, 17-65.
- Aghagolzadeh, F., & S. Bahrami-Khorshid (2009). "Language as a Puppet of Politics: A Study of McCain's and Obama's Speech on Iraq War: A CDA Approach". *International Journal of Criminology and Sociological Theory*. Vol.2, No.1, 218-229.
- Anggraini, N., & M. Fidiyanti (2018). "Transitivity Process and Ideological Construction of Donald Trump's Speeches". *Journal of Literature and Language Teaching*. Vol9, No1, 26-

44.

- Fairclough, N. (1995). *Media Discourse*. London: Edward Arnold Press.
- Fairclough, N. (2015). *Language and Power*. 3rd ed. New York: Routledge.
- Fowler, R., B. Hodge, & G. Kress (1979). *Language and Control*. London: Routledge.
- Halliday, M. A. K., & R. Hasan (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.
- Halliday, M. A. K. (1994). *An Introduction to Functional Grammar*. 2nd ed. New York: Edward Arnold.
- Potter, L. (2016). "Ideological Representations and Theme-Rheme Analysis in English and Arabic news reports: a systemic functional approach. *Functional Linguistics*. 3. 10.1186/s40554-016-0028-y.
- Thompson, G. (2014). *Introducing Functional Grammar*. 3rd ed. New York: Routledge.
- Xiang, Q. (2022). "Transitivity Analysis of Joe Biden's Inaugural Address from the Perspective of Systemic Functional Grammar". *Theory and Practice in Language Studies*. Vol.12, No.1,165-169.
- Yuqiong, Z., & L. Fengjie (2018). "Transitivity Analysis of David Cameron's Speech in Retaining Scotland". *International Journal of Language and Linguistics*. 6(3), 70-79.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی